

Discourse Creation and Monitoring Realization of the Islamic-Iranian Model of Development (Executive Requirements of the Model and Political Strategies)¹

Alireza Sadra¹

*1. Associate Professor, Department of Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
alirezasadra@gmail.com*

Abstract

The purpose of the present research is to study discourse creation and monitoring realization of the Islamic-Iranian model of development (executive requirements of the model and political strategies). The research method is textual and conceptual analysis of the references, books, and ideas of the Islamic and Iranian civilized thinkers, the constitution of the Islamic republic of Iran, practical guidelines of Imām Khomeini as well as advices of the supreme leader to prescribe a model for discourse creation and monitoring. The research relies on the hypothesis that requirements of performing the model and its political strategies include monitoring objective scientific actualization, engineering, management and damage removal of the situation or the document of the country's development model. The results indicate that propagation of the development model to create proper public consensus and determination is required and that it is achieved through discourse creation among elites, common people, and managers respectively by the methods presented in this study. Actualization of the Islamic-Iranian model of development is conducted through practicality of the expediency discernment council and the Islamic consultative assembly as well as the enforcement of the executive force, public and private section.

Keywords: Islamic-Iranian Model of Development, Political Model, Economy, Expansion.

1. **Received:** 2022/02/07 ; **Revised:** 2022/03/30 ; **Accepted:** 2022/10/04 ; **Published online:** 2022/09/23

DOI: 10.22034/sm.2022.548333.1824

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



گفتمان‌سازی و پایش تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (بایسته‌های اجرایی الگو و تدابیر سیاسی)^۱

علیرضا صدرا^۱

۱. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. alirezasadra@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی گفتمان‌سازی و پایش تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (بایسته‌های اجرایی الگو و تدابیر سیاسی) است. روش پژوهش حاضر تحلیل متن و محتوایی منابع، آثار و آراء متفکرین مدنی اسلامی و ایرانی، قانون اساسی جمهوری اسلامی و راهبردهای راهبردی امام خمینی تا رهنمودهای رهبری معظم به منظور تجویز راهبرد گفتمان‌سازی و پایش است. پژوهش بر این فرضیه استوار است که بایسته‌های اجرای الگو و تدابیر سیاسی شامل پایش تحقق‌سازی علمی عینی؛ مهندسی، مدیریت و آسیب‌زدایی اوضاع یا سند الگوی پیشرفت کشور می‌باشند. نتایج حاکی از آن است که ترویج الگوی پیشرفت به منظور اجماع‌سازی همگانی بایسته و عزم‌سازی عمومی ملی شایسته است که با گفتمان‌سازی نخبگانی، مردمی و مدیریتی، به ترتیب و با شیوه‌هایی که در این پژوهش آمد، ایجاد می‌گردد. تحقق الگوی پیشرفت با راهبردی‌سازی مجمع تشخیص، کاربردی‌سازی مجلس شورای اسلامی، اجرایی‌سازی قوه مجریه، جریان‌سازی بخش عمومی تا جاری‌سازی بخش خصوصی تدابیر و افق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الگوهای سیاسی، اقتصاد، توسعه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱



۱. مقدمه

به تعبیر رهبر معظم در مراحل آغازین الگوسازی پیشرفت: «بحثی که برای الگوی پیشرفت می‌کنیم، برای این نیست که می‌خواهیم پیشرفت را شروع کنیم» (سیاهپوش، ۱۳۹۲، پشت جلد)؛ چرا که «پیشرفت از انقلاب شروع شده» است (همان). بلکه «به این معناست که با یک. الف. بحث نظری و ب. تعریف: ۱. شفاف و ۲. ضابطه‌مند از پیشرفت» (همان)، دو. «قصده داریم یک باور همگانی؛ در درجه اول در بین نخبگان، بعد در همه مردم به وجود بیاید» (همان) که؛ الف. «بدانند: ۱. دنبال چه هستیم و ۲. به کجا می‌خواهیم برسیم و ب. بخش‌های گوناگون نظام بدانند چه کار باید بکنند» این را «باید پیدا کنیم» (همان). این مبین گفتمان‌سازی و تقسیم کار ملی در تحقق‌سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در صورت گفتمان‌سازی بهینه و تحقق‌سازی بهینه، چه بسا حرکت زیگزاگی و پاندولی جاری دولت‌ها و حتی مجالس، در چهل سال اول نظام جمهوری اسلامی ایران را با توجه به جمهوریت نظام و جابجایی دوره‌ای مجالس و دولت‌ها، فرو می‌کاهد. «الگو هم نقشه جامع است» (همان: ص ۷۴)؛ وقتی می‌گوییم «الگو ایرانی- اسلامی، یعنی یک نقشه جامع» (همان). چرا که «بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد». همچنان‌که «در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم». بدین سبب «گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را- هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون- انجام دادیم!». این هم «به خاطر این است که یک نقشه جامع وجود نداشته است». در این صورت «این الگو، نقشه جامع است» (همان). همین الگو در عوض امکان حرکت متکامل، یعنی پلکانی پیشرفت کشور را فراهم می‌سازد. حرکت زیگزاگی و پاندولی دولت‌ها، سبب نوسان و نابسامانی گشته و مسبب عدم کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی بهینه و بسامان کشور گردیده است. فلسفه و حکمت الگوسازی اسلامی ایرانی پیشرفت، حرکت پلکانی دولت‌ها و در نتیجه افزایش ثبات و ارتقای کارآمدسازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. فرای تبیین و ترسیم، به ویژه گفتمان‌سازی و تحقق‌سازی و پایش آن است؛ زیرا نظام جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم کارآمدی زیرساختی ارزشی، بینشی و منشی ایرانی و اسلامی که هر دو ظرفیت تمدن‌سازی پیشین از خود نشان داده‌اند، به سبب برخی نارسایی و ناسازواری‌های ساختاری (شامل قانونگذاری و سازمان اداری) و راهبردی یعنی سیاست‌گذاری‌های ناپایدار، هم‌اینک دچار و درگیر رکود تورمی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جدی و خطرناکی است.

گفتمان‌سازی و پایش تحقق‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (بایسته‌های اجرایی الگو و تدابیر سیاسی) به منظور کارآمدسازی و خودشکوفایی‌سازی تا مرز بهزیستی مدنی و زندگانی اجتماعی و سیاسی شایسته، به صورت علمی است. چرا که الگو، هر چه علمی‌تر، رساتر و سازوارتر بوده، عملی‌تر، بهینه‌تر و بسامان‌تر گشته است و با کاستن نوسان و نابسامانی، کارآمدی دولت و نظام را ارتقاء داده است. همچنین باعث پیوستگی حرکت می‌شود و پیشروی کشور به شکل فراتر را تضمین می‌کند و پیشرفت برتر آن را تأمین می‌سازد. پرسش اصلی این پژوهش، گفتمان‌سازی و پایش تحقق‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (بایسته‌های اجرایی الگو و تدابیر سیاسی) چیست؟ است.

۲. پیشینه تحقیق

با توجه به جدید بودن مراحل دوگانه گفتمان‌سازی و پایش تحقق‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (بایسته‌های اجرایی الگو و تدابیر)، به جز آراء و آثار مراحل پیشین، تبیین و ترسیم سند الگوی پایه پیشرفت، آراء و آثاری خاص و تخصصی تولید نشده است. اما آثار و آراء مرجع حکمای مدنی از فارابی، خواجه نصیر تا امام خمینی، پیشینه و پیشخوانه موضوعی این مقاله و به تعبیری تبارشناسی قرآنی و دیرینه‌شناسی حکمی مدنی گفتمان‌سازی و پایش تحقق‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. گفتمان اسفاری صدرایی و به ویژه کتاب‌های «شواهد ربوبیه» و نیز «مبداء» ملاصدرا نیز حاوی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و نیز پدیده‌شناسی الگوی پیشرفت مدنی حتی در مراحل گفتمان‌سازی تا تحقق‌سازی بوده است که به سبب ضیق مقال، از استناد بدان‌ها خودداری می‌شود و علاقمندان را به کتب و مقالات نگارنده در این زمینه‌ها ارجاع می‌دهم.

۳. چهارچوب نظری

مقدمه و لازمه این حرکت علمی، الگوسازی عملی پیشرفت پس از دوره (فاز) نخست الگوسازی پیشرفت است که شامل مرحله اول: تبیین علمی نظری الگوی پیشرفت و مرحله دوم: ترسیم علمی عملی آن می‌شود. دوره (فاز) دوم نیز شامل مرحله سوم: گفتمان‌سازی و مرحله چهارم: تحقق‌سازی آن، و به ویژه پایش آن است. این فرای کاوش چرایی، چیستی و چگونگی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و تبیین علمی و ترسیم عملی آن بوده و نیازمند پردازش چرایی، چیستی و به ویژه (دانش و فن) چگونگی گفتمان‌سازی و تحقق‌سازی و از جمله پایش تحقق الگوی پیشرفت و پشرفت الگو و پیشرفت مدنی کشور است؛ به ترتیبی که در این پژوهش می‌آیند.

۴. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر تحلیل متن و محتوایی منابع و سند الگو از قرآن، آثار و آراء متفکرین مدنی اسلامی و ایرانی، قانون اساسی جمهوری اسلامی و راهبردهای راهبری امام خمینی تا رهنمودهای رهبری معظم به منظور تجویز راهبرد گفتمان‌سازی و پایش است.

۵. یافته‌های تحقیق

در پاسخ به پرسش اصلی مبنی بر اینکه، گفتمان‌سازی و پایش تحقق‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (بایسته‌های اجرایی الگو و تدابیر سیاسی) چیست؟ در ابتدا، به ترویج علمی عمومی الگوی پیشرفت پرداخته می‌شود و در ادامه، به تحقق علمی عینی الگو خواهیم رسید و به چرایی؟ چیستی و چگونگی آنها خواهیم پرداخت.

ترویج علمی عمومی الگوی پیشرفت است؛ که به صورت روشمند، قاعده‌مند، نظام‌مند و هدفمند و به شیوه استدلالی، استنادی، تجربی انجام می‌شود و جریان‌سازی در آن، به منظور اجماع‌سازی عمومی و عزم‌سازی ملی است. گفتمان‌سازی الگوی پیشرفت در سه سطح نخبگانی (علمی و نظری)، مردمی و مدیریتی یا کارشناسی و به تعبیری نخبگانی عملی قرار دارد. نخبگانی علمی و عملی، به مفهوم آن است که گفتمان‌ساز بوده و مردم، گفتمان پذیرند. گفتمان‌سازی نخبگانی علمی، استدلالی و برهانی است و در عوض، گفتمان‌سازی مردمی، بیشتر خطابی، تبلیغاتی و ملموس است. همچنین، گفتمان‌سازی نخبگانی علمی، توجیهی، فنی کارشناسی، مدیریتی دولتی، عمومی و خصوصی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در ادامه به پشتوانه و پیشینه گفتمان‌سازی می‌پردازیم:

۵-۱. گفتمان‌سازی و پایش دینی مدنی قرآنی

گفتمان‌سازی دینی - مدنی توحید اسلام (قرآن و سنت)، تبار و پشتوانه اصلی گفتمان‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. به تصریح قرآنی «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه حسنه و جادلهم بالآئی هی احسن»، «فرا بخوان به راه پروردگارت به حکمت و موعظه نیکو و مناظره زینده» (نحل: ۱۲۵)، این گزاره چه بسا مبین گفتمان‌سازی نخبگانی، مردمی و کارشناسی پیشاگفته باشد. «هدایت صراط مستقیم»، راهنمایی راهبرد متعادل و متعالی است؛ ارائه طریق به منظور ایصال یعنی رسانیدن به مطلوب است. به تفسیر راهبردی امام خمینی:

۱. «همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می‌شود؛ «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، ما در نماز می‌گوییم (امام خمینی، ۱۳۶۲: ج ۱۳، ص ۴۳۱) و روزانه ده‌ها بار گفته و تکرار و تمرین می‌شود که این خود، از لوازم گفتمان‌سازی است. ارائه طریق راهبرد، طرح هادی و نقشه راه، چه بسا الگوی پیشرفت متعادل و متعالی است.

۲. در وهله اول، الگو و «سیاست به معنای اینکه جامعه را راه ببرد (راهبرد) و هدایت کند به آنجایی که صلاح جامعه و صلاح افراد هست». هدایت اعم از ارائه طریق، یعنی راهنمایی یا گفتمان‌سازی و ایصال یعنی، رسانیدن به مطلوب یا تحقق‌سازی است. در وهله دوم، سیاست و الگوی پیشرفت که «ملت را، اجتماع را، اشخاص را راه ببرد به یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع می‌شود و به آخرت ختم می‌شود». در مرحله سوم، سیر «الی الله است» (همان)؛ به عبارت دقیق‌تر، الگو، متعالی بوده و پیشرفت، تعالی بخش است.

۳. در نگاه اول، در این الگوی پیشرفت متعالی، «آنها می‌خواهند ملت را، ملت‌ها را، اجتماع را، افراد را هدایت کنند، راه ببرند (راهبرد) در همه مصالحی که از برای انسان متصور است و برای جامعه متصور است». در نگاه دوم، در این الگوی پیشرفت، «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد؛ تا تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد». ساحات مادی و معنوی و ابعاد باطنی (ارزشی، بینشی و منشی) و ظاهری (کنشی و روشی یا رفتاری) است.

۴. کما اینکه با پیشرفت متعالی، «اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست؛ صلاح ملت هست، صلاح افراد هست».

۵. تبیین، ترسیم و نیز ترویج و تحقق این چنین الگوی و سیاست پیشرفت متعالی و متعادلی «مختص به انبیاء است و دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. به عبارت دقیق‌تر، این سیاست اول مختص به انبیاء و اولیاء است و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام» می‌رسد (همان).

۵. بدین منظور «مردم را به این راه و آنچه که صلاح ملت است، دعوت می‌کنند» (همان: ص ۴-۴۳۳).

۶. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، «دیانت؛ همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می‌دهد و تمام چیزهایی که به صلاح ملت است و به صلاح مردم است»، را شامل می‌شود. پیشرفت مدنی نیز شامل توسعه اقتصادی و تأمین آسایش همگانی، توأم با توسعه، تعادل سیاسی و کارآمدسازی است که در جهت توسعه و تعالی فرهنگی، معنوی، اخلاقی و تضمین آرامش باطنی مدنی حرکت می‌کند و در نهایت معطوف به کرامت مدنی انسانی می‌شود؛ که به تعبیر امام خمینی این الگو در پایان، «آنها را از آن راه می‌برد

که صلاح مردم است که همان صراط مستقیم است» (همان). در گفتمان قرآنی، الگوی هدایت صراط مستقیم یعنی پیشرفت متعادل و متعالی، «غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» است؛ غیر از الگوی توسعه تنازعی (سلطه‌طلبی داروینستی استعماری و استکباری امپریالیستی) و به تعبیر فلاسفه اسلامی سیاست فاسقه، یعنی بدراه و بیراهه است. الگوی ضاله یعنی سیاست گمراه و توسعه تک‌ساحتی مادی و دنیوی صرف (فرویدیسمی) نیز نیست. این به دلالت تضمینی، متضمن مبانی، تدابیر، افق، رسالت و آرمان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است. به دلالت مطابقه، مبین تبیین نظری و ترسیم عملی الگوسازی است. کما اینکه به دلالت التزامی مستلزم ترویج عمومی و تحقق عینی الگو، از جمله پایش آن است.

۲-۵. گفتمان‌سازی و پایش مدنی دینی فارابی

یک. علم مدنی کتاب «احصاء علوم» و نیز کتاب ملت فارابی، به ترتیب علم پدیده مدنی یا پدیده‌شناسی مدنی و نیز مکتب مدنی است. پدیده‌شناسی و مکتب‌شناسی اجتماعی و سیاسی، علم زندگانی مدنی، نظام مدنی و پیشرفت مدنی است. به اعتبار آنها می‌توان علم و الگوی پیشرفت اجتماعی و سیاسی فاضلی را تبیین، ترسیم، ترویج و تحقق دانست و حتی از این نگاه می‌توان به تجزیه و تحلیل متن و محتوایی آن پرداخت. این آثار و منظومه آثار مدنی فارابی، یا به عبارت دیگر، فارابی در منظومه آثار مدنی خویش، به کالبدشکافی (فیزیولوژی) و شناخت کالبدی (آناتومی) الگوی پیشرفت از تبیین علمی تا تحقق عینی آن به صورت اجمالی می‌پردازد. از هندسه، مهندسی، مدیریت تا آسیب‌زدایی آن را بحث می‌کند؛ چه بسا که به همین منظور، آثاری چون کتاب «فصوص الحکم» را به‌مثابه گفتمان شالودی و شاکله پیشرفت مدنی، کتاب «آراء اهل مدینه فاضله» را به‌مثابه گفتمان هندسه یعنی مبادی پیشرفت مدنی و کتاب «سیاست مدنی» را به‌مثابه گفتمان مهندسی پیشرفت مدنی تدوین نموده‌اند. در گفتمان راهبرد مدیریت و مدیریت راهبردی الگوسازی پیشرفت، کتاب «التبیه علی سبیل السعادة» را به عنوان بسیج عمومی و سازماندهی و کتاب «تحصیل السعادة» را به عنوان پیشبرد، نظارت و کنترل پیشرفت مدنی نگارش نموده‌اند. سرانجام از رساله «رد علی طب جالینوس» با رهیافت مدنی تا کتاب «فصول منتزعه» و به تعبیری اصول مدنی را به‌مثابه گفتمان آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی (پاتولوژی از میکروبیولوژی تا ایمنولوژی از میکروبی‌شناسی تا ایمنی‌سازی) به منظور بازمهندسی، مهندسی مجدد، مکرر و مستمر پیشرفت اجتماعی و سیاسی به رشته تحریر درآورده‌اند. از این حیث، این نظام آراء و منظومه، آثار بی‌بدیل بوده و همچنان بی‌نظیر هستند. بنابراین، بایسته و شایسته است که با نگاه الگویی پیشرفت، از تبیین تا تحقق و

پایش، به تجزیه، تحلیل و ترکیب متن و محتوایی این نگارش‌های علم مدنی احصاء و کتاب ملت فارابی بازیابی گردند.

دو. فارابی در کتاب «سیاست مدنی» که به‌مثابه مهندسی سیاسی از جمله مهندسی معماری پیشرفت مدنی و الگوی فاضلی آن بوده است و به تعبیر هانری کربن فرانسوی در کتاب «تاریخ فلسفه اسلامی»، فلسفه سیاسی (کربن، ۱۳۶۱: ص ۲۱۶) بشمار آمده است؛ در زمینه گفتمان‌سازی مدنی تصریح می‌سازد: «باید دانست که مبادی موجودات (مبانی الگو) و مراتب آنها (تدابیر و افق) و همچنین سعادت و خوشبختی (رسالت و آرمان) و مراتب ریاست‌های مدینه‌های فاضله (سامان و سازمان تقسیم کار ملی)، گاه مورد تصور، یا تعقل انسان‌ها (گفتمان‌سازی نخبگانی) واقع می‌شود و گاهی مورد تخیل آنان (گفتمان‌سازی مدیریتی و کارشناسی) واقع می‌شود» (همان). حتی مورد تحاکی از حکایت آمده یعنی تبلیغاتی و توصیفی خطاب می‌شود. در حقیقت، «معنی تصور آنها این است که گوهر و ذوات امور، آن‌طور که وجود دارند، در ذهن آدمی (نخبگان) مرتسم می‌گردد» (همان: ص ۸-۱۹۷) و مراد ماهیت و مبانی صورت ذهنی، پدیده عینی یا عملی از جمله پیشرفت است. در ادامه به تبیین تعقل، تخیل و تصور پرداخته می‌شود که بسیار راهگشا است (همان: ص ۹-۱۹۸).

سه. فارابی در انتهای تحصیل سعادت نیز به اجمال به مراتب ترویجی، تعلیمی گفتمان‌سازی برهانی نخبگانی، توجیهی خیالی کارشناسی و تبلیغی حسی مردمی پرداخته است (فارابی، ۱۴۰۳: ص ۹۰-۹۲). چه بسا خواجه نصیرالدین طوسی نیز همانگونه که به تصریح خود وی در فلسفه سیاسی - فصول اول تا سوم اخلاق ناصری - ملهم از فلسفه سیاسی و حکمت مدنی فارابی از کتاب‌های اندیشه اهل مدنی فاضلی و نیز سیاست مدنی و حتی علم مدنی احصاء علوم بوده است و در فن کارگزاری سیاسی - فصل چهارم به بعد - نیز متأثر از فلسفه فن سیاسی فارابی در همین تحصیل سعادت باشد. این مباحث و آثار در الگوسازی، اعم از تبیین و ترسیم، تا گفتمان‌سازی نخبگانی، مردمی و مدیریتی و همچنین، پایش تحقق‌سازی مسئله و موضوع این پژوهش می‌تواند نقش قابل توجهی داشته باشند.

۳-۵. گفتمان‌سازی و پایش فنی مدنی خواجه نصیر

خواجه نصیرالدین طوسی نیز در کتاب و گفتمان «اخلاق ناصری»، پس از تدبیر شخص یا خودسازی، تدبیر منزل یا خانواده و جماعت، در قسمت سوم به سیاست مدن یا جامعه‌سازی و به روزآمدسازی فلسفه سیاسی و حکمت مدنی فارابی و در اصل طرح الگوی سیاسی فاضلی و جاهلی می‌پردازد. در فصل چهارم

تحت عنوان «سیاست ملک و آداب ملوک» (طوسی، ۱۳۶۴: ص ۱۴-۳۰۰)، عمدتاً به جریان‌سازی و تحقق‌سازی الگوی سیاست فاضلی در مقابل جاهلی و اهم شاخصه‌های قابل تقویم، یعنی قابل ارزیابی آنها وارد می‌شود.

این پشتوانه دینی و پیشینه مدنی گفتمان‌سازی، چرایی و چیستی الگو است. سند ترسیمی الگو، چگونگی آن به صورت روزآمد و کارآمد است. بایسته است که به صورت شایسته، به ترتیبی که در ادامه می‌آید، مورد گفتمان‌سازی و پایش (فن) چگونگی تحقق‌سازی واقع گردد.

۵-۴. تحقق‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

تحقق‌سازی الگوی پیشرفت به تناسب، تقسیم کار ملی بوده و توسط سازمان کار ملی به ترتیب زیر است:

الف. تقسیم کار ملی

ب. پایش گفتمان‌سازی و تحقق‌سازی الگوی پیشرفت

ج. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی و بازخورد اوضاع و الگوی پیشرفت.

در این مجال، حسب مورد، نخست تقسیم کار ملی را تفصیل داده و آنگاه پایش و آسیب‌زدایی که عمدتاً در ضمن تقسیم کار ملی بدان‌ها پرداخته شده، به صورت مستقل و اجمالی شرح داده می‌شود.

۵-۴-۱. تقسیم کار ملی

تقسیم و سازمان کار ملی دارای شبکه ساختاری هرمی یا کروی سلسله‌مراتبی طولی و عرضی دولتی، عمومی و خصوصی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. تبیین علمی نظری الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انجام شده و ترسیم علمی عملیاتی (فنی راهبردی) آن، در حال نهایی شدن است. ترویج علمی عمومی یعنی گفتمان‌سازی نخبگانی، مردمی و مدیریتی (و کارشناسی) دولتی، عمومی و خصوصی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را پیش رو داریم. به منظور ایجاد و افزایش عزم ملی و ارتقای کارآمدی، به ویژه دولتی است و به مثابه علت موجد قریب، اقرب و مباشر و نقطه آغازین و محوریت عزیمت الگوسازی پیشرفت است. فرازهایی از پیشینه حکمی مدنی با برخی اشارات با هدف روزآمدسازی در چالش کارآمدسازی به ویژه دولت‌سازی کارآمد جمهوری اسلامی ایران، راهبرد الگوسازی پیشرفت و چشم‌انداز تمدن‌سازی نوین اسلامی در گام دوم جهاداکبر خودسازی ملی انقلاب اسلامی تقدیم می‌گردد. حاصل اینها نظریه پیشرفت مدنی بوده که غالباً فقدان آن را به درستی، بدترین نارسایی، نقد و چالش

الگوسازی اسلامی - ایرانی پیشرفت تلقی و تعبیر می‌کند.

۵-۴-۱. راهبرد تحقق‌سازی ساختاری الگو اسلامی - ایرانی پیشرفت

فارابی در گفتمان و کتاب سیاست مدنی: «هنگامی که رئیس اول این مراتب را به نظام آورد و مشخص کرد» (۱۳۷۱: ص ۱۹۶). نقش نظام‌سازی و نهادسازی است. هرگاه «بخواهد در مورد امری دستور و اندرزی بدهد» (همان) و راهنمودی راهبردی ارائه دهد که «مردم مدینه و یا گروهی از مردم مدینه بدان عمل نمایند و به سوی انجام آن وادار شوند» (همان)؛ وادارندگی مردم یا گروه‌های مدنی به رعایت راهبرد راهبری است. باید «به نزدیک‌ترین مراتب به خود دستور دهد و القاء کند» (همان). بسان راهنمود راهبردی از جمله در الگوسازی پیشرفت به مجمع تشخیص مصلحت نظام است. سپس «آنان به مرتبت نزدیک‌تر به خود (مجمع تشخیص) دستور دهند» (همان)؛ بسان مجلس است. به «همین ترتیب (دولت) تا برسد به آن گروهی که برای آن خدمت (حوزه عمومی و خصوصی) تربیت شده‌اند» (همان). در این صورت است که «اجزاء مدینه با یکدیگر پیوسته و سازگارند» (همان) و «در مراتب معین مرتب‌اند، بعضی مقدم و بعضی مؤخر» (همان) هستند. مراد ساختار سلسله مراتبی سازمانی و کارکردهای مربوطه، براساس تقسیم کار ملی از جمله در گفتمان‌سازی و تحقق‌سازی الگوی پیشرفت است.

۵-۴-۲. الگوسازی اسلامی ایرانی - پیشرفت

فارابی در کتاب سیاست مدنی در زمینه تحقق‌سازی مدنی مطرح می‌نماید: «هنگامی که رئیس اول (راهبری)، این مراتب (جامعه در کشور) را به نظام (سلسله مراتبی طولی و عرضی ساختاری) آورد و مشخص کرد هرگاه بخواهد در مورد امری [مثل تبیین علمی و ترسیم عملی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مدنی و ترویج عمومی و تحقق عینی آن اعلام و]، دستور و اندرزی (رهنمود و راهبردی) بدهد که مردم مدینه یا گروهی [بخش اقتصادی، سیاسی و فرهنگی] از مردم مدینه بدان عمل نمایند و به سوی انجام آن وادار شوند [ترغیب، تحریض و تشویق تا تکلیف قانونی و اخلاقی و وادارندگی]؛ باید به نزدیک‌ترین مراتب به خود [به‌مثابه سند بالادستی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ] دستور دهد و القاء (توجیه) کند [تا افق ۵۰ ساله الگو را در قالب چشم‌اندازهای ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ ساله افق ۵۰ ساله الگو و سیاست‌گذاری‌های کلان راهبردی تدابیر الگوی تنظیم، ترسیم و تصویب کنند] و سپس آنان به مرتبت نزدیک‌تر به خود [مجلس شورای اسلامی] دستور دهند [تا با این چشم‌انداز و براساس این سیاست‌های کلان، قانون‌گذاری برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌های بودجه سالیانه و

سایر قوانین عادی را انجام دهند]. به همین ترتیب [قوه اجرایی؛ اعمال‌سازی و قوه قضایی؛ قضایی‌سازی و جزایی‌سازی قوانین مصوبات مجلس چشم‌اندازها و سیاست‌های کلان مجمع افق و تدابیر الگو را ایفا می‌سازند] تا برسد به آن گروهی [بخش عمومی و بخش خصوصی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی] که برای آن خدمت [جاری‌سازی و اجرایی‌سازی] تربیت [تأیید، تعیین و تنظیم] شده‌اند. در این صورت است که اجزاء [ارکان] مدینه [نظام مدنی اعم از، دولت و ملت در کشور] با یکدیگر پیوسته [به صورت رسا] و سازگارند [سازوار؛ از همگرایی، هماهنگی و همکاری یعنی تقسیم کار و تبادل، تا همبستگی و پیوستگی یعنی یگانی مدنی ملی] و در مراتب معین [مجمع تشخیص تا بخش خصوصی الگوسازی] مرتب‌اند [از الگوسازی مرکز، چشم‌اندازسازی و سیاست‌گذاری راهبردی مجمع، قانونی‌سازی کاربردی مجلس، مدیریت اجرایی دولت و قضایی و جزایی‌سازی قوه قضائیه تا جریان‌سازی بخش عمومی و سرانجام تا اجرایی‌سازی الگو توسط بخش خصوصی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی]. بعضی مقدم [راهبردی، کاربردی و اجرایی دولتی ستادی و صفی سازمانی و وزارتی مرکزی و استانی تا شهرستانی الگو] و بعضی مؤخر [جاری‌سازی تا اجرایی‌سازی ملی داخلی و خارجی تا محلی الگو] (فارابی، ۱۳۷۱: ص ۱۹۶) هستند. فارابی کتاب‌های تنبیه علی سبیل السعاده، تحصیل سعاده و فصول منتزعه را به صورت مستقل ولی مکمل، هم به ترتیب برای گفتمان‌سازی، تحقق‌سازی و آسیب‌زدایی سیر پیشرفت مدنی و الگوسازی فاضلی تدوین و ارائه کرده است.

بدین ترتیب مدل کارگزاری‌سازی با نقش راهبردی دولت و کارویژه‌های دوگانه سیاست‌گذاری و سیاست‌مداری یعنی ترسیم و اعمال سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراملی، ملی داخلی، خارجی و فراملی است. به جای مدل کارپردازی دولت حداقلی و سیاست عدم دخالت سرمایه‌سالاری یا مدل کارگزینی دولت‌سالاری حداکثری و سیاست دخالت سوسیالیستی، به ویژه بی‌مدلی التقاطی کنونی دولت همه‌کاره و هیچ‌کاره کنونی کشور است. کارگزاری دولت با شئون سه‌گانه مهندسی (نهادسازی و نظام‌سازی)، مدیریت (شامل: بسیج، سازماندهی، اجرا و پیشبرد، نظارت و کنترل یا پایش؛ تزریق یا اشراب و رصد یا مانیتورینگ تا دیسپاچینگ) و آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی (شامل پاتولوژی، از فیزیولوژی و آناتومی تا میکروبیولوژی و ایمنولوژی) الگوسازی پیشرفت و بازمهندسی اعم از مهندسی مجدد، مکرر و مستمر آن در سیر و ساختار سلسله مراتبی نیروها و نهادهای نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران است. که به ترتیب سلسله مراتبی سیر و ساختاری نظام سیاسی و دولت ذیل، گفتمان‌سازی گشته،

تحقق‌سازی یافته و پایش (رصد، تزیق و آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی) می‌گردد.

۴-۱-۳. سیر و ساختار راهبردی گفتمان‌سازی و تحقق‌سازی الگوی پیشرفت

مراد فرایند فرایند گفتمان‌سازی و تحقق‌سازی الگوی پیشرفت در سیر و ساختار راهبردی نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران است، که به ترتیب شامل موارد زیر می‌شود:

اول. رهنمودهای راهبردی رهبری

طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی «وظایف و اختیارات رهبر» شامل «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایرانی پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام»، «چنانکه در مبحث راهبردی‌سازی بعدی خواهیم دید- (بند ۱)، «نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» (بند ۲)، از جمله اجرای سیاست‌های کلی تدابیر الگوی پیشرفت پس از ترسیم توسط مجمع تشخیص است؛ «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» (بند ۸). همانند همین الگوسازی پیشرفت می‌شود. تکمله این اصل آن است که «رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند». بسان همین الگوسازی پیشرفت که به مرکز الگو واگذار شده است.

دوم. مجمع تشخیص مصلحت نظام: راهبردی‌سازی افق و تدابیر الگو

فرای بندهای ۱، ۸ و تکمله اصل ۱۱۰ قانون اساسی، طبق اصل ۱۱۲ اصلاحی قانون جدید جمهوری اسلامی ایران، فرای جنبه رفع اختلافی میان مجلس و شورای نگهبان در قانون اساسی قبلی، نقش «مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده» را در تعیین چشم‌انداز و ترسیم سیاست‌های کلان نظام را بر عهده دارد. بدین ترتیب:

یک. تقسیم‌بندی و تنظیم افق ۵۰ ساله سند الگو در چشم‌اندازهای پنج‌ساله (مقدماتی و آزمایشی و ترجیحاً به تناظر برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران)، ده‌ساله، پانزده‌ساله و بیست‌ساله است.

دو. ترسیم تدابیر ۶۰ گانه الگو در قالب سیاست‌های کلان است. به طور مثال شامل سیاست‌های کلان چهارگانه اجتماعی (تدابیر سه‌گانه ۴۲-۴۴)، سیاست داخلی (تدابیر ده‌گانه ۵۴-۴۵)، سیاست امنیتی (تدابیر دوگانه ۵۶-۵۵) و سیاست خارجی (تدابیر چهارگانه ۶۰-۵۷) کنونی است.

سوم. مجلس شورای اسلامی: کاربردی‌سازی قانونی چشم‌اندازها و سیاست‌های کلان مجمع

طبق فصل ششم و اصول ۹۱-۶۲ قانون اساسی به ویژه مبحث دوم، «اختیارات و صلاحیت مجلس

شورای اسلامی» و اصل ۷۱، «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند»؛ کاربردی‌سازی، قانونگذاری چشم‌اندازهای مجمع، افق‌الگو و سیاست‌های کلان مجمع، تدابیر‌الگو یا در حدود آنها توسط مجلس شورای اسلامی است. به تعبیری قانونی‌سازی‌الگو، کارویژه مجلس است. که در قالب‌های زیر می‌تواند ارائه شود:

یک. قانون یا قوانین پنج‌ساله توسعه یا پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که توسط سازمان برنامه تهیه شده و دولت پیشنهادی آن را تأیید نموده و به تصویب مجلس رسیده است.

دو. قانون بودجه سالیانه با نگاه برنامه‌ای به بودجه مورد نظر است. نه نگاه بودجه‌ای به برنامه جاری در کشور که موجب بسیاری ناکارآمدی‌ها است.

سه. شامل سایر قوانین عادی می‌شود که از قوانین توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و تعالی فرهنگی است. با تأکید بر کارآمدسازی قانونی و قانونمندی است. مراد قانونگذاری یا قانون‌سازی و قانونی‌سازی بایسته است. در این باره منظور، قانون‌داری تا قانون‌مداری شایسته است. از جمله قوانین مهم عناصر کلیدی و راهبردهای اصلی تدابیر سیاسی مورد نظر است. همانند قانون «حفظ و تقویت حکمروایی شایسته» (مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه)، قانون «گسترش مشارکت مردم و نخبگان در اداره کشور»، قانون «افزایش کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، در تدبیر ۴۵ الگو تا قانون «تقویت کارکردهای حاکمیتی (با واگذاری مسئولیت‌های غیرحاکمیتی و تصدی‌گرایانه به بخش‌های مردمی)»، قانون «بهبود کارآمدی و چابکی و شفافیت نظام اداری با شیوه‌ها و فناوری‌های نوین»، تدبیر ۵۲ و حتی قانون «خودگردانی استانی» (حکومت‌های محلی) یا «تمرکززدایی در ساختار اقتصادی مالی (و سیاسی) کشور با حفظ اقتدار حاکمیت از رهگذر واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به استان‌ها در چارچوب سیاست‌های ملی» تدبیر ۵۳. همچنین قوانین سایر عناصر و راهبردهای اصلی تدابیر سیاسی ۱۹ گانه ۶۰-۴۲ کنونی است، که نیازمند تجمیع و تنقیح قوانین مربوطه موجود به تناسب تدابیر سیاسی الگو و راهبردهای اصلی آنها، یا تهیه و تصویب قوانین جدید مورد نیاز و مورد نظر بخش سیاسی الگو است.

چهارم. دولت و قوه اجرایی نظام سیاسی: اجرای‌سازی

طبق مبحث اول فصل نهم، «ریاست جمهوری و وزراء» طی اصول ۱۴۲-۱۱۳ قانون اساسی، اجرای‌سازی توسط قوه مجریه به عنوان نیرو و نهاد مدیریت اجرایی کشور و به تعبیر دقیق مدیریت اجرایی

کشور از ریاست جمهوری، معاونین و سازمان‌های ذیربط و وزارتخانه‌ها تا استانداری‌ها و فرمانداری‌های سراسر کشور است.

یک. تدوین مقررات در قالب آیین‌نامه‌های اداری، دستورالعمل‌های اجرایی و بخشنامه‌های سازمانی اجرایی‌سازی قوانین الگو است (اصل ۱۳۸ قانون اساسی).

دو. بهینه و بسامان‌سازی سازمانی و سازماندهی متناسب و کارآمد ستادی اجرای‌سازی بخش دولتی الگوی پیشرفت تا صف حوزه عمومی و خصوصی است (اصل ۱۲۶ قانون اساسی).

پنجم. بخش عمومی: جریان‌سازی عمومی

طبق مقدمات و اصول اصلی قانون اساسی و اهم تدابیر سیاسی الگو:

یک. با هماهنگی بنیادها و نهادهای عمومی و منابع و سرمایه‌های مادی و معنوی در اختیار مثل بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام خمینی است.

دو. واسطه میان دولت و بخش خصوصی بسان شهرداری‌ها، تعاونی‌ها و قرارگاه سازندگی خاتم(ص) مورد اعتماد رهبری و دولت و به‌مثابه پیمانکار درجه اول رابط با بخش خصوصی است.

ششم. بخش خصوصی: جاری‌سازی خصوصی

مردم در قالب بخش خصوصی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همانند فاعل مباشر و مستقیم، جاری‌سازی الگوی پیشرفت را بر عهده دارد. گسترش مشارکت و نظارت عمومی نیروها و نهادهای نخبگانی و مردمی، طبق قانون اساسی و تدابیر الگو در این راستا است.

هفتم. قوه قضایی: قضایی و جزایی یا کیفری‌سازی

طبق فصل یازدهم، «قوه قضائیه» و اصول ۱۷۴-۱۵۶ و به ویژه اصل ۱۵۶ و بند ۳، «نظارت بر حسن اجرای قوانین» آن و اهم راهبردهای تدبیر ۵-۴۴ الگو، به منظور اعمال نظارت، قضاوت و مجازات برای نیروها و نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی که از اجرای قوانین برنامه‌های پنج‌ساله پیشرفت، قوانین بودجه‌ای سالیانه و سایر قوانین عادی سیاست‌های کلی تدابیر الگوی عمده تخطی و تقصیر کرده یا خطای سهوی و قصور و حتی ترک فعل (اصل ۱۶۹) نمایند، به منظور تضمین و ضمانت اجرای آنها است.

۴-۵. پایش گفتمان‌سازی و تحقق‌سازی الگوی پیشرفت

پایش، رصد (مانیتورینگ) و حتی تزریق (دیسپاچینگ) فرایند اشراب الگوی پیشرفت در کشور بوده و نهادسازی و نظام‌سازی، مدیریت و سازماندهی و حسب مورد آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی حسب مورد

پیشرفت کشور یا سند الگوی پیشرفت است. خاستگاه، جایگاه و نقش مرکز الگو چه به صورت مستقل بوده یا در ساختار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرارگیرد، بعد از ابلاغ سند توسط رهبری، عمدتاً به‌مثابه ستاد مرکزی نه سازمان و قرارگاه هماهنگی، هدایت و حمایت و نه صف و بسان معمار و کارگردان پیشرفت، پایش تحقق‌سازی سند الگو و در صورت نیاز اصلاحات محتمل راهبردها و روزآمدسازی‌های لازم آن است. حتی پایش گفتمان‌سازی است. با توجه به اینکه پایش نیز یک فرایند فراگیر ملی است. این مبحث محل تفصیل بوده که فعلاً و در این پژوهش به همین حد بسنده می‌شود.

۵-۴-۳. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی و بازخورد اوضاع و الگوی پیشرفت

آسیب‌شناسی (پاتولوژی)، شناسایی نارسایی‌ها و ناسازواری اوضاع کشور یا سند الگو است که هدف، آسیب‌زدایی و رفع آنها است؛ به طوری که شرایط متناسب گفتمان‌سازی و تحقق‌سازی الگوی پیشرفت در کشور ایجاد شود:

الف. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی اوضاع پیشرفت کشور: توسط نیروها و نهادهای ناظر یا بخش نظارتی نیروها و نهادهای ساختار نظام سیاسی و دولت جمهوری اسلامی ایران از مجمع با نظارت راهبردی، مجلس توسط دیوان محاسبات با نظارت کاربردی، دولت با نظارت اجرایی، بخش عمومی با نظارت جریان‌سازی و بخش خصوصی با نظارت جاری‌سازی و قوه قضایی با نظارت قضایی و جزایی از طریق سازمان بازرسی کلی کشور و حسب مورد دیوان عدالت اداری و سایر مجامع قضایی است. به منظور بازمهندسی، مهندسی مجدد، مکرر و مستمر ساختار و اوضاع پیشرفت کشور است.

ب. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: به منظور بازمهندسی، مهندسی مجدد، مکرر و مستمر سند الگو و روزآمدسازی و کارآمدسازی آنست. آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی اوضاع یا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز محل تفصیل دارد. فصول منتزعه مدنی فارابی، اثر مستقل و جامعی در این زمینه است.

۶. نتیجه‌گیری

اول. ترویج الگوی پیشرفت به منظور اجماع‌سازی همگانی بایسته و عزم‌سازی عمومی ملی شایسته است که با گفتمان‌سازی نخبگانی، مردمی و مدیریتی، به ترتیب و با شیوه‌هایی که در این پژوهش آمد، ایجاد می‌گردد. دوم. تحقق الگوی پیشرفت با راهبردی‌سازی مجمع تشخیص، کاربردی‌سازی مجلس

شورای اسلامی، اجرایی‌سازی قوه مجریه، جریان‌سازی بخش عمومی تا جاری‌سازی بخش خصوصی تدابیر و افق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت انجام می‌گیرد.

۷. پیشنهادات

اول. راهبردی‌سازی، افق ۵۰ ساله و تدابیر ۶۰ گانه سند الگوی پیشرفت توسط مجمع تشخیص مصلحت در قالب چشم‌انداز ۵، ۱۰، ۱۵ و ۲۰ ساله و سیاست‌های کلان،

دوم. کاربردی‌سازی و قانونمندی یعنی قانون‌سازی و قانونی‌سازی؛ چشم‌اندازهای افق و سیاست‌های کلان تدابیر الگوی پیشرفت توسط مجلس شورای اسلامی در قالب قوانین برنامه‌های پیشرفت پنج‌ساله، بودجه سالیانه و سایر قوانین عادی،

سوم. اجرایی‌سازی قوانین الگویی پیشرفت، توسط قوه اجرایی کشور با تدوین و در قالب مقررات، آیین‌نامه‌های اجرایی و بخشنامه‌ها،

چهارم. جریان‌سازی مقررات الگوی پیشرفت توسط بخش عمومی،

پنجم. جاری‌سازی مقررات الگوی پیشرفت توسط بخش خصوصی کشور،

ششم. قضایی‌سازی و جزایی‌سازی الگویی پیشرفت توسط قوه قضایی.

منابع

قرآن کریم.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۲). *صحیفه نور*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱۳.
- سیاهپوش، امیر (۱۳۹۲). *الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در بیانات رهبری*. تهران: موسسه پژوهشی فرهنگی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.
- فارابی، محمد (۱۳۶۴). *احصاء علوم*. ترجمه سید حسین خدیو جم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۴۰۳ق). *تحصیل السعاده*. بیروت: دار الاندلس.
- فارابی، محمد (۱۳۷۱). *سیاست مدنی*. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- کرین، هانری (۱۳۶۱). *تاریخ فلسفه اسلامی*. ترجمه اسدالله مبشری. تهران: امیرکبیر، چاپ سوم.
- طوسی، خواجه نصیرالدین محمد (۱۳۶۴). *اخلاق ناصری*. تهران: خوارزمی، چاپ سوم.